

کتاب در یک نگاه

حکمت و معنویت

• مریم السادات سعید واقفی



■ حکمت و معنویت

■ بخشعلی قنبری

■ نشر معارف، ۱۳۸۳

چنانچه از عنوان کتاب نیز برمی آید مباحث حکمی و عرفان از جمله عرفان، روابط انسانی با دیگران و پاسخگویی از دیدگاه نهج البلاغه در این اثر بررسی شده است. با خواندن این کتاب یک گام به وادی عرفان نزدیک تر می شویم چه، دو بخش اول کاملاً به مباحث عرفانی مربوط است. اما بخش سوم در واقع صیغه کاملاً حکمی در حوزه حکومت دارد.

روش کتاب، توصیفی و تحلیلی و یکی از اهداف نویسنده آشنا ساختن مخاطبان با عرفان نهج البلاغه است. کتاب در یک مقدمه و سه فصل سامان یافته است.

در فصل اول نویسنده علاوه بر عرفان نهج البلاغه به مباحثی مانند اختلافات اساسی مکتب عرفانی نهج البلاغه با مکاتب دیگر، خداشناسی فطری - عرفانی نهج البلاغه، انسان شناسی، تعریف انسان و اهمیت انسان شناسی، انسان کامل در نهج البلاغه و نیز مقامات و احوال پرداخته است. از این میان به دو موضوع انسان کامل در نهج البلاغه و مباحث مقامات و احوال

گرفته شده و حذف شود. در مجموع طبق دیدگاه مؤلف رسانه های غرب در فعالیت های ضد اسلامی خود بر سه محور تأکید می کنند که از این قرار است: ۱. نگاه به فرد مسلمان به منزله دشمن غرب و اروپا؛ ۲. تبلیغ ارزش های اسلامی که متعارض و مخالف با ارزش های تمدن های غربی است؛ ۳. تبلیغ برخی فعالیت ها و رفتارهای مسلمانان که ارتجاع، تقدس مآبی و تروریسم را ترویج می کنند.

نویسنده در بررسی و نقد اقدامات مسلمانان، نهادها و کشورهای اسلامی در مقابله با این رویکردهای رسانه های غربی، معتقد است که این ذهنیت ها و زمینه ها باید انگیزه و مشوقی برای تصحیح تصویر منفی ترسیم شده از سوی غربیان و نیز درک و احساس مسئولیت در مقابل حوادثی باشد که رخ می دهد. اما عجیب است که با وجود این درک و بینش، اقداماتی برای تغییر و تصحیح آن صورت نمی گیرد و شاید یکی از علل این بی تفاوتی و اقدام نکردن، فقدان عناصر گفتمان تبلیغی به روز از اسلام باشد که با غلبه بر وجه افتراق و احساسات عاطفی می توان مکتب نسبی گرایی از اسلام را در تعامل با مسائل روز و تمام گروه های انسانی پایه گذاری کرد و ضروری است که درباره گفتمان اسلامی، دیدگاه و موضع کامل و جامعی اتخاذ شود.

مؤلف برای رسیدن به این مرحله و بازنگری و بررسی تصویر اسلام در شبکه های تبلیغاتی غرب، راهبردها و اقداماتی را طرح و پیشنهاد می کند که مهم ترین آنها را می توان در این موارد خلاصه کرد: ۱. فراخوان کنگره اسلامی از گروه ها، سازمان ها و شخصیت های تأثیرگذار و متخصص در این امور برای پایه گذاری روش هایی به منظور مقابله با تبلیغات مغرضانه و کینه توزانه غرب نسبت به اسلام؛ ۲. حمایت از ایجاد روابط با نمایندگان اقلیت های مسلمان اروپا؛ ۳. اقدام سریع برای پاسخ به شبهات و افتراءات و دروغ پردازی های رسانه های غرب نسبت به اسلام و مسلمانان؛ ۴. اهمیت فتح باب گفت و گو با مراکز مهم و تأثیرگذار به منظور برنامه ریزی و تصمیم گیری؛ ۵. درک گفتمان جهانی معاصر و چگونگی دفاع از اسلام و مسلمانان از این طریق.

در پایان این نکته گفتنی است که اگر کتاب حاضر، سندی باشد که رسانه های گروهی غرب را به دلیل بررسی مغرضانه و جانبدارانه مسائل مسلمانان محکوم می کند، تصویری که ارائه می کند از دو جهت مسلمانان را به صورت شدیدتری محکوم می کند؛ نخست اقدامات و رفتارهای برخی مسلمانان که زمینه ساز بروز حوادث و در نتیجه تحریف اسلام از سوی غربیان شده اند و دوم ناتوانی مسلمانان از تصحیح تصاویر مخدوش و غیر واقعی که از اسلام به رغم گذشت زمان طولانی از آن و وخیم تر شدن آن به وجود آمد.

منبع: الحیاه (لندن) ۲۰۰۵/۳/۵

تشرین (دمشق) ۲۰۰۴/۱۱/۹

اشاره می‌کنیم.

انسان کامل ولی مطلق در روی زمین است. انسان کامل و مصادیق آن هیچ‌گاه آسمان هدایت و روشنائی را خالی نمی‌کنند و همیشه و همه جا چراغ راه آدمیانند. علی (ع) پیامبر را اسوه کامل خود و دیگر طالبان و سالکان طریقت معرفی می‌کند. در نهج البلاغه نیز آمده است که «بی شک پیامبر (ص) برای تو یک الگوی کافی است و همین امر تو را گواه و راهنماست بر ناپسندی دنیا و عیب آن و فراوانی رسوایی و زشتی‌های آن، زیرا تمام دنیا و تمتعات آن از او گرفته شد و از زر و سیم و اندوخته‌های آن برکنار گردید.»^۱

مقامات، به تلاش و کوشش انسان بستگی دارد و سالک هر اندازه بهتر و بیشتر تلاش کند به مراتب بالاتری صعود خواهد کرد. صاحب نظران درباره مراحل مقامات آرای متفاوتی دارند. نگارنده این اثر، ده مرحله مقامات را چنین برمی‌شمارد: توبه، شناخت مقام سخن و سکوت، مبارزه با نفس، عزلت و تفرید، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل، رضا.

احوال کسبی و برآیند کوشش عارف نیست بلکه کششی است که خداوند به خواست خود نمایان می‌کند. به علاوه، احوال ضمانتی ندارد. به این معنا که زمان و مکان و کیفیت حالات مشخص و قابل سنجش نیست. درباره تعداد احوال نیز میان صاحب نظران اختلاف نظر است. مؤلف، احوال را ده مورد می‌داند که به ترتیب عبارت‌اند از: مراقبه، قرب، عشق و محبت، خوف، رجا، شوق، انس، اطمینان، یقین، مشاهده.

فصل دوم، درباره انسان و روابط است که مبحث خودشناسی و اهمیت آن را نیز مطرح کرده است، که عبارت‌اند از: شناخت ساحت‌های سه‌گانه، رابطه انسان با خود، اهمیت شناخت خود، عالم و اهمیت خودشناسی، ضعف شناخت خود، رابطه و شناخت کریمانه نسبت به خود، خودیابی محصول عملی خودشناسی، هزینه از خود برای خود، شناخت عیوب خود، انسان خودیافته و عدم رضایت به وضع موجود، پرهیز از خود شگفتی، اخلاق و خودیابی، فرصت ندادن به نفس، رابطه با خدا، خود، ابزار و راه‌های ایجاد رابطه با خدا، رابطه وجود خدا و خلق، بخشش مبنای رابطه، رابطه انسان با دیگران، پیوند دوستانه با مردم.

ابزار و راه‌های ایجاد رابطه با خدا: ذکر، دعا و نماز که به توضیح مختصر آن بسنده می‌کنیم.

۱. ذکر: آن است که سالک در لفظ و دل خداوند را به یاد بیاورد و به طوری که بین زبان و دل او هماهنگی باشد. البته ذکر دارای دو مرتبه لفظی و زبانی است اما این یاد آوردن وقتی به نتیجه منجر می‌شود که دل را بجنباند و تغییر دهد و الا صرف لقلقه زبان

چندان سودی ندارد. اهمیت ذکر در حیات عرفانی در دو مسئله است:

الف) ذکر یادآور وحدت گوهری انسان و خدا و یا حداقل اشتراک آن دو و یا بیان‌کننده نسبت روح آدمی با خدای متعال است. سالک با ذکر خدا در واقع به یاد خود می‌افتد و مرحله نهایی عرفان را در بدایت تجربه می‌کند.

ب) ذکر مایه آرامش روح آدمی است. ذکر مرتبه‌ای از انس به خداست ولی برخلاف آن در اختیار بنده است در حالی که انس به اراده خدا بستگی دارد.

۲. دعا: سالک طریقت وقتی از طریق دعا با خدا سخن می‌گوید که نقیصه‌ای برای او پدید آمده است، سالک برای حل مشکلات مردم نیز دست به دعا برمی‌دارد چه، او تنها به فکر خود نبوده بلکه مردمان هم برای او مهم‌اند! حضرت علی (ع) درباره رابطه سالکان طریقت با دعا می‌فرماید: «در حالی که به مناجات با خدا نسیم عفو و بخشش را استشمام می‌کنند، ایشان گروگان نیازمندی به فضل و کرم و اسیران تواضع و فروتنی به عظمت و بزرگواری او هستند، اندوه و گریه زیاد دل‌ها و چشم‌هایشان را مجروح ساخته است. هر دری که امید رغبت الهی را از آن دارند، می‌کوبند و خواسته خود را با کسی در میان می‌گذارند که فراخی‌ها پیش او تنگ نمی‌شود و خواستاران از او نومید نمی‌شوند».

۳. نماز: یکی از ابزارهای برقراری ارتباط سالک با خداوند است. در نهج البلاغه نیز به اهمیت نماز در ایجاد رابطه با خدا تأکید رفته است. «اللّٰهُ اللّٰهُ فی الصلوة فانّها عمود دینکم» خدا را خدا را درباره نماز که ستون دین شماست. نماز در میان روش‌های برقراری ارتباط سالک با خدا از همه مهم‌تر است. چون او هم به لحاظ شرعی موظف به انجام آن است و هم در نماز می‌توان مقدمات برخی از حالات عرفانی از قبیل مکاشفه را فراهم کرد.^۲ در فصل سوم، مؤلف به بررسی موارد پاسخگویی پرداخته است. پاسخگویی در طول تاریخ با عنایت به چند نهاد مورد الزام قرار گرفته است: (۱) پاسخگویی که خداوند، مردم و حکومت‌ها را به آن ملزم کرده است. (۲) نهادهای نظارتی - مردمی. (۳) پاسخگویی در عصر جدید.

پاسخگویی در نهج البلاغه به فراوانی و به اشکال مختلف مطرح شده است. در برخی موارد به طور صریح و در مواردی نیز به طور تلویحی به این مسئله پرداخته شده است. پاسخگویی‌های نهج البلاغه به حوزه‌های ارتباطی انسان، خدا و جهان مربوط است که تماماً به مسئول بودن انسان در برابر خود، خدا، حکومت و سایر افراد بستگی دارد. اتفاقاتی که در روابط انسان با خود، خدا، جهسان و انسان‌های دیگر رخ می‌دهد

کتاب در یک نگاه

جمع پریشان

دفتر دوم نقد کتاب

● عباسعلی مردی



■ جمع پریشان (دفتر دوم)

■ رضا مختاری

■ نشر دانش حوزه، ۱۳۸۳

هیچ انتقادی به خودی خود، سازنده یا ویرانگر نیست. این نگاه ناقد است که، صرف نظر از شخصیت صاحب اثر، می تواند چنین فضاهایی را به وجود آورد. بر ناقد است که هنگام نقد به دور از حب و بغض ها و خوشامد و بدآمد صاحبان اثر، برای بهبود و سامان دهی نشر کتب و مقالات تلاش کند. در این باره تذکر چند نکته ضروری می نماید:

۱. روشن است که نقد کتاب های معاندان و مخالفان دین و ایمان و نیز نقد آثار سست متدینان وظیفه است. کتاب هایی چون جمع پریشان، نقد آثار متدینان و کسانی است که اثری را با انگیزه و نیتی مقدس پدید آورده اند.

از طرفی نباید از نظر دور داشت که بهانه بسیاری از انتقادات و هوچیگری های معاندان، دفاع سست و بی پایه از دین، و پریشان گوئی و سست نویسی در بخشی از کتاب هایی است که به همین انگیزه مقدس

زمینه ساز مسئله پاسخگویی است. از این جهت این پاسخگویی ها موارد زیادی را شامل می شود. البته بخش عمده این پاسخگویی ها به رابطه حکومت دینی و مردم (با توجه به وظایف و حقوق دنیوی و اخروی آنها) مربوط می شود. مبانی پاسخگویی از دیدگاه امام علی (ع) را می توان این گونه برشمرد:^۱ (۱) پرهیز از خود محوری، (۲) دوری از خودکامگی، (۳) دوری از هوا و هوس، (۴) مبارزه با خودشیفتگی، (۵) تأکید بر محرومیت زدایی و حقوق محرومان، (۶) پاسداری از امانت، (۷) حکومت ها در دادگاه تاریخ، (۸) مواضع مردمی و ضد اشرافی، (۹) احیای الگوهای مطلوب، (۱۰) مبارزه با تبعیض، (۱۱) حمایت از محرومان، (۱۲) اعلام پیروی از عهدنامه حکومتی امام علی (ع)، (۱۳) تعهد به حقوق انسانی، (۱۴) برقراری عدالت، (۱۵) جلوگیری از تکرار عصر جاهلیت و مسخ انسان. پاسخگویی فقط نواقص را شامل نمی شود بلکه توجیه منطقی اعمال حاکمان و دفاع از عملکرد مثبت ایشان نیز تحت شمول این امر قرار می گیرد. به تعبیر دیگر پاسخگویی می تواند زمینه تشویق یا توبیخ را فراهم آورد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود: (۱) حق پرسشگر، (۲) وظایف والیان، اصلاح خود و امت، (۳) شرایط والیان، (۴) خیانت حاکمان، (۵) برخورد مودت آمیز با خلق، (۶) پاسداری از کرامت انسان، (۷) نرمش و انعطاف، (۸) قاطعیت، (۹) حفظ حکومت از نامحرمان، (۱۰) حفظ وحدت، (۱۱) تأمین رفاه عمومی، (۱۲) تنظیم روابط عادلانه اقتصادی.

همچنین در زمینه خیانت حاکمان، در نظام حقوقی اسلام سه نوع حق به رسمیت شناخته شده است: حق الله، حق الناس، حق النفس که خداوند هرگز از حق مردم نمی گذرد بلکه برای کسانی که به حق مردم خیانت کرده اند وعده آتش دردناک داده است و هرگز لطف و رحمت خود را شامل حال آنان نخواهد کرد. امام علی (ع) خیانت به امت را بزرگ ترین خیانت ها می داند: «و ان اعظم الخيانة خيانة الامة و افظع الغش غش الائمة» (نهج البلاغه، آیتی، نامه ۲۶) و بزرگ ترین خیانت ها خیانت به امت و زشت ترین ناراستی ها ناراستی با رهبران است.^۴

پی نوشت ها:

۱ - قنبری، بخشعلی، حکمت و معنویت، تهران، نشر معارف،

ص ۱۱۷

۲ - همان، ص ۱۴۰

۳ - همان، ص ۱۸۰